

پیکار دانشجو



ارگان اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور
 هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
 شماره ۲ و ۳ نیمه دوم مهر - نیمه اول آبان ماه ۶۰

دولت موقت و اجزای تشکیل دهنده آن

جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران در طول تاریخ معاصر و ویژه در سالهای اخیر فرازونشیب های زیادی را پشت سر گذارد و مهربار با آموزش از تجربیات پیروزیهای خود و درس گیری از شکستها قامت رسای خود را از زیر بار ضربات ارتجاع و امپریالیسم راست نموده و استوارتر از پیش گام برداشته است. ضامن بقا و رشد این جنبش همانند لاری به از خود گذشته گی خلقهای ایران بوده است که بانثار بهترین فرزندان خود بهای جنبش دمی از مبارزه خونین طبقاتی باز نامیستاد ماند.

خون هزاران شهید بخون خفته خلق که در راه مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع جان باختند پیوسته درخت شجارت و مقاومت و مبارزه را آبیاری نموده و ضمن جلوگیری از خشکیدن آن اورانمیزا ز گزند "حشرات" موی و مورانهائی که از درون قعد خوردن ریشه های آن و نابودی آنرا داشتند مصون داشته است. شهیدانی که چون البرز در مقابل کاخ ظلم و مستغری طبقاتی - مقاوم ایستادند و خاک مرگور را با پذیرش سرب مذاب بر زندگی و سکوت در مقابل استعمار زحمتکش و رژیم های فاشیستی و مرتجع و مزدور ترجیح دادند. خون آنان و بقیه در صفحه ۳

تشدید تهاجم ضد انقلاب به کردستان انقلابی

بخاطر داریم در دوران شاه ارتش هر گونه اعتراض و جنبشی را بر علیه رژیم سرمایه داری شاه خائن سرکوب میکرد. بخاطر داریم ارتش آمریکائی رژیم شاه چگونه اعتصابات و تظاهرات کارگران، زحمتکش و دانشجویان را در سراسر ایران سرکوب



کره وی معایا قیام مردم را در شهرهای مختلف به خون کشید و ۱۷ شهریه ها و ۱۳ آبان ها را بوجود آورد. روزهایی که در تاریخ مبارزات خلقهایمان ثبت شده اند. بعد از قیام پر خروش نموده ها زحمتکش در بهمن ۵۷ و بغیران خمینی جلاد یکشنبه ارتش سرکوبگر شاهنشاهی در خون شهید اغسل کرده و مبدل به ارتش اسلامی و خدائی شد. ارتش از شاه به ارتش رسیده از همان اوان حاکمیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بغیراندهی سران خویش و بافتوای خمینی امام رژیم تازیانه و دار اقدام به سرکوب خلقهای ایران بویژه خلق قهرمان کرد نمود. زمانیکه بنی صدر خائن فرمانده کل قوا شده ارتش فرمان داد "تا زمانیکه این یانیان (منظور خلق کرد) را از بین نبرده ایم بقیه در صفحه ۳

در صفحات دیگر این شماره:

- انقلاب اکبر و دست آوردهای آن ص - ۹
- سادات خائن مرد - مرگ بر خمینی جلاد ص - ۷
- تظاهرات عظیم توده ای ضد جنگ در بن ص - ۸
- اخبار ص - ۱۲

سرنکون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

انقلابیون و توده های آگاه در گوشه و کنار میهنمان اینک در روزگار اخیر تحت عنوان پاکسازی عناصر "ضد انقلاب" و "وابسته" از شهر بوکان، اقدام به بمباران و قتلعام و برکبارستن مردم تحت ستم و دلاور بوکان و روستاهای اطراف آن نموده اند. این مزدوران از طریق ارگانهای خویش فریاد "پیروزی" سر داده و رقص گان بیای کوی پرداخته اند. ولی کدام "پیروزی"؟ سران رژیم جمهوری اسلامی بسرکردگی خمینی خونخوار دوسال و نیم است فریاد پیروزی در کردستان سر میدهند، کیست که نداند این "پیروزیها" تنها به بهای ریختن خون صدها نواز مردم و ویران کردن خانه و کاشانه مردم دلاور کردستان بدست می آید. این "پیروزیها" کلمه ای بیش نیستند، کلمه ای که فقط نشاند هشت هرچه بیشتر چهره جنایتکار و فاشیستی سران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی میباشد. رژیمی که قصد دارد با کشتن تمام ضد انقلابی خویش به کردستان و انهدام و ویران کردن خانه و کاشانه مردم انقلابی کردستان جنبش مقاومت خلق کرد را تحت فشار روزافزون قرار دهد. ولی این سرکوبها و بمبارانها تلاشهای جنایتکارانه ای بیش نیستند، زیرا خلق کرد، بدست از قیام مصمم بوده است تا پرچم سرخ تداوم انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران را برافراشته نگه دارد و در طی دوسال و نیم گذشته با مبارزه بی امان و جانبازیهای بسیار این عزم انقلابی را به خلقهای ایران نشان داده است.

نباید یوتین از پای در بیاورید. هنوز این سخنان بنی صد بدوژوا لیبرال در گوش همه زحمتکشان طنین می اندازد و قیقا سران ارتش این سخن بنی صدر را نصب العین قرار داده و امروز ارتش به همراه پاسداران فاشیست قصد دارند تا با حمله های پسی در پیرو به کردستان قهرمان، بخیاال خام خویش جنبش مقاومت خلق دلاور کرد را نابود سازند. در واقع رژیم جمهوری اسلامی برای به تسلیم کشانیدن جنبش مقاومت خلق کرد، مدت دوسال و نیم است که سیاستهای خائنانه و جنایتکارانه اش را بوسیله ارگانهای سرکوش در کردستان پیش میبرد. دوسال و نیم میباشد که رژیم دیکتاتوری مذهبی خمینی فریاد بر می آورد "ضد انقلابیون" را در کردستان تار و مار ساخته است و با هزاران نیرنگ سعی داشت و انمود سازد که دیگر هیچ اثری از "ضد انقلابیون" (بخشوان انقلابیون) در کردستان یافت نمیشود. ولی اخیراً باز در بوق و کرنای خویش فریاد بر می آورد که ارتش و پاسداران قادر شده اند شهر بوکان را که در تصرف "ضد انقلاب" (بخوان انقلاب) بود به اشغال خویش در آورده و مردم به آغوش اسلام برگشته اند !!!

ولی واقعیت چیست؟ به یمن مبارزات پیکر و خستگی ناپذیر خلق دلاور کرد رژیم جمهوری اسلامی از بسد و حاکمیت خویش قادر به برقراری سلطه خویش نبود و کلبه فریاد هایش مبنی بر برقراری سلطه اش در کردستان چیزی جز دروغ محض نبوده و نیست. سرمداران رژیم حاکم تلاش فراوان مینمایند تا بتوانند شهرهای کردستان را تحت سیطره خویش در بیاورند ولی مبارزات قهرمانانه خلق کرد بارها تلاشهای مذبحخانه این مزدوران را به شکست کشانیده است. برای ثبوت این ساله همینقدر کافی است که سرمداران رژیم جمهوری اسلامی دوسال و نیم تمام میباشد که در ارگانهای تبلیغاتی خود مردم مدعی پاکسازی و بازپرگیری نهائیبی شهرهای مختلف در کردستان هستند، ولی پس از مدتی باز بانگ برخوانند آورد "باتلاشهای پیکرانه" پاسداران و ارتش آخرین شهر از تصرف عناصر "وابسته" و... بیرون آمده و در دست اسلام است !!! علاوه بر اینها مزدوران سرمایه سعی دارند به بهانه پاکسازی عناصر "وابسته" و... خلق قهرمان کسود را تحت فشار روزافزون اقتصادی، سیاسی قرار دهند و از همین رو میباشد که اینک زحمتکشان شهر بوکان و دهات اطراف را مورد یورش متمرکز و وحشیانه قرار داده اند و خون پاک زحمتکشان این دیار را بی وقفه بر زمین میریزند. سران خونخوار رژیم اسلامی در کنار سرکوب گسترده و اعدا صهای روزمره و لاینقطع

بقیه از صفحه ۷



زدن به انقلاب فلسطین مشغول است.

آری سادات خائن بدرک واصل شد:

مرگ بر خمینی جلاد:

زنده باد مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق مصر و

دیگر خلقهای عرب:

زنده باد همبستگی انقلابی خلقهای ایران، عرب و فلسطین:



دراعتراز باد پرچم مقاومت توده ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!

پتیه از صفحه ۱

صدها شهیدی که در طول دوسه ماهه اخیر بوسیله جنایتکاران رژیم ضد مردمی خمینی بر مستگفرتن صحنه مبارزه طبقاتی جاری گردیده بمانند جویبارهای سرخی میباشند که رهنمون راه مبارزه برای آزادی و رهایی - زحمتکشان از قید استعمار و استقرار سوسیالیسم میباشد . رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که بهرکت جافغانستانی توده های میلیونی توانست قدرت سیاسی را بدست گیرد بنا بر محتوای طبقاتی اش نه میخواست و نمیتوانست که بخواسته های بحق زحمتکشان مبین ما

باسخ مثبت گفته و آنان را تاملین نماید بلکه برعکس از آنجا که ذات طبقاتی این رژیم (چه جناح بورژوا لیبرال های آن و چه جناح خمینی و حزب جمهوری اسلامی) اجازه تحقق خواسته های انقلابی ای که توده ها برای آن مبارزه سر خاسته بودند و بخاطر آن رژیم مزدور و جلاد شاه را از تاج و تخت بیزر کشیده بودند نداد و نمیدهد از همان فردای قیام کمر به همت سرکوب قهر آميز و ارتجاعی و - فاشیستی هر گونه حرکت آزادی خواهی و هر گونه جنبشی که بکترین وجهی شرکت توده های مردم را در تملین سر نوشت خویش تضمین میکرد، بسته و به صدها جنایات - سنگین دست بازید. زیرا رژیم جمهوری اسلامی علیرغم موافقی های خمینی دروغپرداز و علیرغم "حسن نیت ها" و علیرغم وعده و وعده ها و زمتهای آزادخواهانه، از آنجا که مأموریت بازسازی سیستم وابسته با امپریالیسم سرمایه داری را بعهده گرفته بود و در میان دژ سرمایه داران گردیده بود برای تضمین و تامین شرایط سود آوری سرمایه ناچار به کار در سرکوب و قهر فاشیستی میبود . زیرا لازمه حفظ - پایه های سیستم پوسیده سرمایه داری وابسته در ایران و یاد در کشورهای مشابه احوال قهر و سرکوب فاشیستی است. به بیان دیگر حفظ و تامین شرایط ادامه حیات سرمایه داری در مبین ما ارتباط مستقیم با قهر ارتجاعی دارد - و هر "صلح و خیراندیشی" "توحید گرا" "رئیس گرا" هم که قدرت سیاسی را بدست گیرد و خواستار حفظ سیستم موجود باشد بناچار سرنواشی جز شاه و خمینی نخواهد داشت . این نه پیشگویی و نه حکم دادن است بلکه - این واقعیتی است که بارخشن خون ده ها هزار انقلابی

آدم از کارگرد هقان - دانشجو و روشنفکر و ... با ثبات - رسیده این راتجربیات همین مدت کوتاه بعد قیام نیز - تأیید و با ثبات رسانده است، بر این واقعیت مسلک در خمینی و بنی صدر و بهشتی و امثالهم سهر تأیید زده و گذشته چراغ راه آینده است! هر دو جناح رژیم جمهوری اسلامی چه بورژوازی لیبرال و چه جناح خمینی و حزب جمهوری اسلامی هر دو از تصمیمی کیفی و گسترش کسی مبارزات توده ها بر علیه رژیم خیانتکار شاه و همه داشتند. منتهی هر يك از آنها باشیوه مخصوص خود سعی در جلوگیری از گسترش جنبش انقلابی خلق مینمودند .

برای خمینی دروغ پرداز از آنجا که با تکرار خواسته های انقلابی - توده ها و فریب آنان اعتقاد بخش وسیعی از مردم را بخود جلب کرده و امکان هرگونه تأثیر گذاری را بر روی جنبش توده ای در جهت اهداف خود داشت ، مصالحه با شاه لازم نبود بلکه برای آینده بدون شاه و جلب رضایت امپریالیست های غربی و حفظ پایه های رژیم سرمایه داری - در ایران و جلوگیری از تعمیق انقلابی مبارزات توده ها - کوشش مینمود . ملاقات وی با رمزی کلارک یکی از مهره های معروف امپریالیسم آمریکا، هشدار دادن به آمریکایی ها - پشتیبانی بدون چون و چرا از شاه و باندا و فراخوانهای - متعدد به ارتش و کوشش در خنثی نمودن ارتش و حفظ آن برای آینده و بالاخره ملاقات نمایندگان خمینی (بهشتی معدوم و بازگان) با ژنرال های آمریکایی و ولایت از ژنرال های ایرانی بعد از فرار شاه شاهد این مداخلات است .

بعلاوه خمینی کوشش داشت که با طرح این سؤال که زحمتکشان ایران برای "اسلام" مبارزه میکنند و برای بهبود شرایط زیست اقتصادی و آزادی های سیاسی و اجتماعی خود جنبش انقلابی را از محتوای شرقیانه خود تهی نماید و تمام سعی خود را در جلوگیری از مسلح شدن - توده ها بکار برد .

در مقابل این جناح، بورژوا لیبرال که سالها بی نتیجه با هرزه نگاری به حضور "شاهنشاه" به تنگی آزادی و - حقوق انسانی پرداخته بود وحشت زده از گسترش - مبارزات توده ای و محتوای قهر آميز و انقلابی آن تمام - تلاش خود را برای انحراف در مسیر حرکت انقلابی

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

بکار بردن . زیرا اصولا جنبش قهرآمیز عظیم توده ایها خواستهای انقلابی خود درست نقطه مقابل منس و راه حلهای سیاسی ضد انقلابی بورژوازی لیبرال بود . اگر ابتداء تخطئه و محکوم کردن مبارزات انقلابی توده ها دست میزدند هنگامی که سقوط رژیم شاه و پانددوی را - اجتناب ناپذیر دیدند با چرخشی دیگر لنگان لنگان - بدنبال جنبش انقلابی راه افتادند . بازگان و هم پالگی های او از جنبش انقلابی زحمتکشان به فسترازجکمه های - خونین رژیم فاشیستی شاه هراسان بودند زیرا انسان بخوبی میدانستند که در یک جنبش انقلابی و حکومت احتمالی ناشی از آن جایی برای این ضد انقلابیون نخواهد بود و واقف بر این امر بودند که شرکت توده های زحمتکشی در سرنوشت سیاسی جامعه دیگریسه آنان مجالی برای عرض اندام سیاسی نخواهد داد . این ساله بخوبی در این جمله بازگان نهفته است که گفت " این جنبش نیرومند ناگهانی و خود بخودی است که ما فقط میتوانیم از آن دنباله روی کنیم ، نه اینکه آنرا کنترل کنیم ، زیرا انگذاشتند ما از طریق متینکهای سیاسی نظر خود را بیان کنیم " آری یک جنبش تصویری بازگان و دیگر ضد انقلابیون بورژوا از مبارزه داشتند و به همین جهت هم دشمن مبارزات انقلابی توده ها بودند و آنجا هم که بالا جبار و برای عوامفریبی رو جنبش میآوردند فقط با هدف خرابکاری و انحراف در جنبش خلق بودند و دلسوزی برای آزادی و دموکراسی ، بلکه جنبش ضد انقلابیونی بعدها هم که با هزار حيله و مکر به مستند قدرت تکیه زدند نمسی توانستند کاری جز دفاع از سیستم سرمایه داری وابسته بکنند مخالفت آنان با رژیم شاه نه در دفاع از آزادی برای - زحمتکشان و جنبش انقلابی و کمونیستی بود و حتی نه آزادی - بورژوازی بمعنی کامل آن بلکه آزادی برای خود و گردش - سرمایه شان ، آزادی برای تامین شرایط و امکانات سودآوری سرمایه خود که در زیر چنگال سرمایه انحصاری قدرت سود آوری آن محدود گردیده بود .

آری رژیم جمهوری اسلامی با یک چنین ترکیبی قدرت - سیاسی را بدست میگیرد . کوشش رژیم برای سرکوب کامل حرکت های اعتراضی و خواستهای انقلابی زحمتکشان و لگد - کردن کلیه دستاوردهای قیام ناموفق میماند و موج مقاومت

انقلابی زحمتکشان در دفاع از شهرهای واقعی خویش ، سازمانهای کمونیستی و انقلابی در دفاع از حق آزادی اجتماعات روزنامه و بیان ، خلق دلاور کرد در دفاع از حق تعیین سرنوشت خویش روز بروز بعد گسترده تری بخود میگیرد و با بر ملا شدن چهره واقعی رژیم جمهوری اسلامی و شخص - خصمی از تعداد هواداران رژیم روز بروز کاسته میگردد و عوامفریبهای رژیم و مزدوران روزیونیست آن نیز نمیتوانند به صمودی کاهش هواداران رژیم را متوقف نمایند .

رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی برای مقابله با چنین - روندی روز بروز وحشیانه تر حمله مینماید . کردستان را - قتل عام میگرد - دانشگاه را بخون میکشد - کارگران در رود - صیادان انزلی - دهقانان ترکمن صحرا و ... را بی محابا - به سلسلهای اسرائیلی و آمریکایی خود میبستد باین - امید که روند رواج انقلابی جنبش راستد کند .

رشد هرچه بیشتر مبارزات و مقاومت پولادین مردم در مقابل استثمار و سرکوب ، سرداران رژیم را با چاره جویی واداشت مضحکه اشغال جاسوسخانه آمریکا و تبلیغات شونیستی در آغاز جنگ ایران و عراق عواملی بودند که موقتاً در رشد و توده های متوهم را بفریبند و همچنین بعنوان وسیلهای - برای تشویه حساب جناحهای مختلف حکومت مورد استفاده قرار گیرند . بازگان افشا میگرد و از گردونه بخارج پرتاب میگردد . بنی صدر وارد گود میشود و وعده ها میدهد - " اقتصاد توحیدی اش " را " تئوریزه " میکند همانند امینی در سالهای ۴۱-۴۲ هر روز وراثتی میکند و بخشی از توده های ناراضی را بسوی خود جلب میکند ولی تمام این شگردها - بی اثر میمانند . بحران اقتصادی عمیق جامعه اختناق و سرکوب هر روز شدیدتر ، عواقب ناشی از جنگ ضد انقلابی ایران و عراق و گسترش پایه توده های سازمانهای کمونیستی و مجاهدین عرصه را روز بروز بر رژیم تنگتر میکنند ... هرچه فشار توده ها بر رژیم بیشتر میگردد اختلاف بین دو جناح بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی هم تعمیق و گسترش پیدا میکند و جناحی که اصولاً گذشته از اختلافات روئانی که با - یکدیگر داشتند (مثلاً بنی صدر بعنوان روشنفکر بورژواک مبعأ مال - مورد نظرش جامعه سرمایه داری فرانسه است در حالی که جناح دیگر تصورش از جامعه از مکه و مدینه ۱۴۰۰ سال پیش تا

الگوهای نظریه‌ی رهبری و غیره میباشد) بر سر نحوه سرکوب جنبش وحدت و حدود روابط خارجی نیز متفاوت نظر بودند و ما شاهد آن بودیم که خمینی گاه بنفع حزب جمهوری اسلامی و گاه بنفع بنی صدر اراجبنی را سرهم مینمود و گاهی هم بهیرو بد و بیراه و ناسزا میگفت. خمینی بدینوسیله میخواست که محبوبیت خود را تضمین نماید و عدم پیشرفت کارها و دستحق و عده‌های توخالی خود را بتوده‌های ستمدیده برگردان اختلافت دو جناح بپاندازد. آن "معذرت خواهی" عوامفریبانه وی در تلویزیون نیز چیز دیگری جز در خدمت این هدف نبود. ولی خمینی از نظر فکری عقیدتی بیشتر متاسیل به جناح حزب جمهوری اسلامی بود و بالاخره هم در کشاکش بعدی و در زمان اوج تضادهای دو جناح خمینی انتخاب خود را کرد و مستقیماً بطرفداری از معتمدین برخاست. زیرا خمینی بخوبی میدانست که ادامه این کشاکش بین دو جناح فقط باعث تضعیف رژیم و بالنتیجه رشد و گسترش امواج انقلابی مبارزات توده‌ها میگردد. او خیلی واضح گفت که بترسید از آن روزی که مردم به ذات شما پی برند... بنی صدر نیز که پیوسته [۱] میلیون رأی خود را بر رخ حریف میکشید (ناگفته نماند بخاطر وفاداری‌اش به "امام" بود که رأی آورد) کوشش داشت که قلب "امام" را تسخیر کند و نامه محرمانه او به خمینی نیز با همین هدف نوشته شد که در آن با التماس وزاری و با برشمردن افتخارات دوران ریاست جمهوری خویش میخواست دل سنگ "امام" را نرم کند. او نوشت: "اگر این جانب هیچ خدمتی نکرده باشم این خدمت را کردم که یک ارتش پریشان و پراکنده و موبایوس و هر هرج و مرج را که در پهم خودتان در اول سال هم بود که دیگر تحمل هرج و مرج داخلی را نخواهید کرد را تحویل گرفته و با آن در کردستان و گنبد و آذربایجان غریبی و حال در تمامی غرب ایران صیچنگ و امروز قوی تر از روز شروع به جنگ نیز شده و در تغییر روحیه و فکر ارتش همین بس که ساخته رژیم شاه بود و حال دارد از رژیم شما دفاع میکند".

آری! بنی صدر خائن که یکی از افتخارات دوران ریاست جمهوری خویش سرکوب خلق‌های ایران و خلق دلاور کرد و بلز سازی ارتش فاشیستی محمد رضا شاه را میداند امروز مانند دیگر شارلاتانهای جمهوری اسلامی این ساله رامن در

آوردی گروههای چپی میداند و جنایات فاشیستی خویش در کردستان و قلمتان و قارنارها "فاشیست" خواندن گروههای چپی میخواهد توجیه نماید!! (مراجعه شود به متن مصاحبه وی با دانشجویان مقیم آلمان)

زهی وقاحت و بیشرمی! بنی صدری که خود بعنوان چاکر دربار خمینی بر تمام جنایات رژیم صحنه گذاشت و مستقیماً در آن شرکت نمود حال مجدداً از یکطرف عده افرادی میدهد و از طرف دیگر نیروهای کمونیستی و انقلابی را به "فاشیست" بودن متهم میکند و از هم اکنون محتوای بغایت ارتجاعی "آزادی" نوع بنی صدری را الو می‌دهد. بنی صدر که مدت دو سال اعدامهای کمونیست‌ها و انقلابیون، بهاران کردستان و قتل‌عامهای قلمتان... جزا بجزای حکومتش بود و با مستقیماً در آن دست داشت و پدر مقابل آنان بخاطر حفظ مقام خود سکوت پیشه کرده بود ناگهان فریاد استبداد و آزادی خواهی "برآورده و قهرمان آزادی خواهی" میگردد.

بالاخره حزب ارتجاعی و فاشیستی جمهوری اسلامی با کمک خمینی جلاد و دروغپرداز موفق میشود با طرد بنی صدر از ارگانهای اجرایی دولتی جدال بر سر حاکمیت پلاناز خود را بنفع خود به پایان رساند و با طرد بنی صدر از سند قدرت با شمشیر آغشته بخون خود - بجان انقلاب و انقلابیون میافتد. در عرض سه ماه بیش از ۲۰۰۰ نفر کمونیست و مجاهد و مخالف را به جوخه‌های اعدام و دار میسازد. بهر جوان، سالم و مریض، کودک و نوجوان، زن و - مرد هیچکس از تیغ زهرآگین طبقاتی آغوندهای مرتجع در امان نیست. حتی رژیم از اجساد کمونیست‌ها و مجاهدین نیز وحشت دارد به دانش آموزان در مدارس - اعمام میگردند - هرگونه مخالفت و از هر موضع و دیدگاهی - سزایش عدل اسلام یعنی اعدام و قتل است.

وحشی گری رژیم به حدی میرسد که در تاریخ محاصر در کمتر نقطه جهان اتفاق افتاده. خمینی با جنایات بربر - نشانه خود حتی به متطهر شاه جلاد میبرد از دوروی شاه راضی نیست. این کوردلان مرتجع بخمال خود میخواهند برای همیشه از شر مخالفان خود راحت شوند و بهمین - جهت هم رفسنجانی این دل‌لک دربار خمینی میگوید: "اگر مادر بعد از قیام ۱۰۰ صد نفر را کشته بودیم، امروز مجبور

نبودیم این همه بکشم و اگر امروز این کار رانکیم در سه سال آینده بایستی صدها هزار رانکیم * (نقل به معنی) ببینیم و نطق این سگ پاسبان سرمایه داری و وابسته چقدر مضحك است! او در جمله خود از یکطرف وحشت خود را از رشد کمونیستها و انقلابیون آشکارا بیان داشته و میگوید که اگر اینها را امروز نابود نکنیم در سه سال آینده صدها برابر خواهند شد و از یکطرف دیگر ضعف و وحشیگری رژیم نمایش میگذارد و غیر مستقیم میگوید که اگر آنها رانکیم آنها ما را که نگهبان سیستم سرمایه داری وابسته هستیم نابود خواهند کرد و اقرار میکند که نظام ارتجاعی موجود تنها با اعدام انقلابیون و اعمال دیکتاتوری مریان فاشیستی قابل به ادامه حیات است. ولی چقدر کوتاه بین و احمق است که نمیداند خون کمونیستها و انقلابیونی که بدست جلادان رژیم بشهادت رسیده اند بذر سرخی را که در دامنه صحنه مبارزه طبقاتی پاشیده شده آبیاری میکنند و این بذر سرخ در ادامه رشد خود حلقهای هرزه ای چون خمینی رفسنجانی کیانوری و بنی صدر را در پهن دشت مبارزه انقلابی از ریشه میخشکاند و رژیم جمهوری اسلامی خود در حمام خونی که براه انداخته غرق گشته و برای همیشه از صحنه تاریخ محو خواهد شد.

با وجود اختلافاتی که در موارد مختلف بین شرایط امروز و شرایط دوران قبل از قیام بین کس و کفی نیروهای انقلابی و کمونیست در مرحله فعلی با آن شرایط و بین رژیم خونخوار جمهوری اسلامی و رژیم جنایتکارشاه (البته نه ماهوی) موجود است يك وجه تشابه عموماً يك گرایش انحرافی مشابه با دوران قبل از قیام بخوبی به چشم میخورد. این وجه تشابه همانا مساله ماهیت آن قدرت سیاسی است که بایستی جانشین حکومت جمهوری اسلامی گردد. در آن زمان نیمه نیروهای سیاسی با درکهای طبقاتی متفاوت شعار "مرگ پادشاه" را میدادند در آن زمان هم نیروهای سیاسی بودند که تحت عنوان مبارزه با فاشیسم مخالف هرگونه مرزبندی با بورژوازیهای ضد انقلابی بودند و با دست زدن به قلب حقایق و منسطفه بازی به تطهیر لیبرالها میپرداختند. با طرح این مسئله

که چون انقلاب ما مرحله دموکراتیک خود را از سر میگذراند میخواستند از مبارزه ایدئولوژیک بنفع ضد انقلاب جلوگیری کنند. در آن زمان هم بودند نیروهایی که مطرح میکردند هرکس با فاشیسم بورژوازی لیبرال میزد "با فاشیسم همراه شده" و حتی با فاشی بنی احمدها هم مخالفت میکردند. در آن زمان هم بودند نیروهایی که تحت عنوان ضعف کمونیستی - تحت عنوان پایه تودهای قوی داشتن بورژوازی لیبرال و خمینی از مرزبندی طبقاتی نفرت داشتند و بقیه را متهم به "چپروی" میکردند ولی دیدیم که چه شد ما نمیگوئیم که در صورت عدم وجود انحرافات فوق الذکر بین نیروهای سیاسی روند مبارزه طبقاتی جدا از شرایط عینی جامعه میونگولی ما این حق را برای خود قائل هستیم که با آموزش از تجربیات همین دو سه سال پیش به "نیروها" و "شخصیتهای" متزلزل و راست رو که همیشه بعنوان آقا بالا سر و آقا معلم جلوس ظاهر میشوند و در تنهها موردی که قاطع هستند همانا لجن پراکنی بر علیه نیروها و پیگیر کمونیستی است، یادآور شویم که آقایان بیست است! اپورتونیسم هم حدی دارد. آيا شما نبودید که بعد از استقرار رژیم جمهوری اسلامی سنگ انقلابی بودن آنرا بسینه میزدید و با گرفتاری در تاریخ بود انتیسم خرده - بورژوازی خود بهشت موعود را بخود وعده میدادید؟ امروز هم تحت همان عناوین رسوا شده و تحت این عنوان که سازمان مجاهدین دارای پایه تودهای است و با تائید سیاست راست روانه سازمان مجاهدین عملا به مشافهه گری مشی ضد انقلابی "شورای مقاومت" و "دولت موقت" تبدیل شده و مجدداً بفربه توده ها دست زده و خواهان به کجراه کشیدن مبارزه انقلابی هستید.

امروز همان آقایان! طلبکارتر از سابق به تکیه افتاده و با همان "استدلالات" افشا شده به میدان آمده اند و با طرح کلمه "دمکراتی" بمعنای عام آن در صد دخت پاشیدن به چشم توده ها هستند. مادر شماره های آینده درباره ماهیت طبقاتی بنی صدمشی ضد انقلابی "شورای مقاومت" و سیاستهای سازشکارانه حاکم بر سازمان مجاهدین سخن خواهیم گفت. ادامه دارد

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق

سادات خائن مرد - مرگ بر خمینی جلا

روز سه شنبه ششم اکثر سادات خائن این نوکر سرسپرده امپریالیسم آمریکا و یار وفادار بگین تروریست و دشمن خلقهای عرب و فلسطین بدست چند نفر نظامی ترور گردیده و قتل رسید. قتل سادات مزدور در نقاط مختلف جهان با هکذا عملهای متفاوت مواجه گردید. در حالی که در کشورهای امپریالیستی آمریکا، اروپای غربی و کشور صهیونیستی اسرائیل، ترور سادات با موج اندوه و همدردی مواجه گردید، در کشورهای صری، یوگسلاوی، لبنان و لیبی از اعدام سادات با خوشحالی و سرور استقبال شد. توده های زحمتکش عرب و فلسطین - بخوبی به بعد خیانات سادات به آرمانهای آزادیخواهان و ضد امپریالیستی خلقهای عرب و فلسطین آگاهی داشته و شاهد آن بودند که سادات با بستن قرارداد امپریالیستی "کمپ دیویس" و با برسمیت شناختن رژیم صهیونیستی اسرائیل از پشت به جنبش فلسطین خنجر زده و با گشادن دروازه های مصر بر روی امپریالیسم آمریکا دستاوردهای مبارزات ضد امپریالیستی چند ساله خلق مصر را پامال نموده و با قبول نوکری - امپریالیسم آمریکا و دریافت میلیاردها دلار اسلحه و پول مصر را تبدیل به پایگاه مهم امپریالیسم آمریکا در منطقه خاور میانه نمود.

سادات که بعد از مرگ جمال عبدالناصر در سال ۱۹۷۰ در مصر به قدرت رسید کوشش داشت از همان اوان با سرکوب جنبش مقاومت خلق مصر و با آمادگی زمینه سلطه - مجدد غرب، مصر را مجدداً بعنوان جولانگاه امپریالیسم غرب در آورد و از آنجا که در اوایل حکومت وی نفوذ سیاسی اقتصادی و نظامی سوسیال امپریالیسم شوروی بطور وسیعی بر مصر حاکم بود و سادات با افشای سیاستهای فارتگرانه و نواستعماری سوسیال امپریالیسم مغرب توده هادست - زده و ۲۰۰۰۰ مستشار روسی را از مصر اخراج نموده و کلیه قرار دادهای منعقد راطفی نمود.

در جنگ شش روزه اکتبر ۷۳ هنگامی که ارتش مصر بازن ضربات نظامی شدید به پیکر صهیونیستهای اسرائیلی افسانه شکست ناپذیری ارتش اسرائیل را در هم شکستند

سادات خائن با وساطت امپریالیستهای آمریکا و سوسیال - امپریالیسم شوروی پیشنهاد اشترک مخاصه را که چیزی جز نجات صهیونیستها از شکستی بزرگ نبود پذیرفت.

اخراج مستشاران روسی از مصر از طرف سادات نه - بخاطر ماهیت ملی گرایی و ضد امپریالیستی رژیم مصر بود بلکه ناشی از این واقعیت بود که سادات در پی - تعویض آقاوارباب خود بود و امپریالیسم آمریکا که سالها در انتظار چنین موقعیتی بود با انتشار میلیاردها دلار طسوق بندی را برگردن سادات انداخته و از آن بعد سادات بعنوان مهره امپریالیسم آمریکا در منطقه عمل میکرد. و بیجهت نبود که سازمان جاسوسی آمریکا مبلغ ۲۵ - میلیون دلار برای امنیت جان سادات خرج کرده بود. همچنان که خبر گزاریها گزارش دادند احیاناً سو قصد کنندگان وابسته به سازمان ارتجاعی و فاشیستی "اخوان المسلمین" میباشند. سازمانی که از موضع ضد - امپریالیستی بلکه از موضعی بغایت ارتجاعی و عقب ماند در پی کسب قدرت سیاسی در مصر است.

سازمانی که الگوی آن رژیم جنایتکار خمینی باشد نمیتواند سازمانی مترقی و ضد امپریالیستی باشد رژیم جنایتکار خمینی هم ادعای انقلابی گری و ضد - امپریالیستی دارد در حالیکه در عمل سعی دارد - در پس الفاظ و عوامفریبی های ضد امپریالیستی و انقلابی سیستم وابسته به امپریالیسم سرمایه داری را حفظ و با سرکوب و کشتار و وحشیانه نیروهای کمونیستی و انقلابی سلطه امپریالیسم را هر چه بیشتر تثبیت نماید.

بلندگوهای رژیم عوامفریب و ضد مردمی خمینی همه جا خود را معنزان ناجی ملتها قلمداد میکنند در حالی که خود بدترین و خونخوارترین قاتلان توده های ستمدیده میباشند. سرشت طبقاتی سادات و خمینی یکی بوده و هر دو دشمنان طبقاتی خلقهای ایران - عرب - و فلسطین بوده و هر دو یار وفادار بگین نژادپرست و - صهیونیست میباشند. اگر سادات آشکارا به دست روسی بگین رفت خمینی خائن نیز با خرید اسلحه از - اسرائیل و راه انداختن دارو دسته های فاشیست مانند "امل" در لبنان به تقویت رژیم صهیونیستی و ضربه بقیه در صفحه ۲

رژیم جمهوری اسلامی حامی سرمایه دار، دشمن زحمتکشان!

تظاهرات عظیم توده ای ضد جنگ در بین

تظاهرات عظیم توده ای بر علیه سیاستهای جنگ افروزان و تسلیحاتی امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی: روز شنبه دهم اکتبر شهرین پایتخت آلمان غربی شاهد عظیمترین تظاهرات توده ای در آلمان غربی از سال ۱۹۴۵ تا کنون بود. بیش از سیصد هزار نفر بعنوان اعتراض به سیاست تسلیحاتی دایلوک نظامی امپریالیستی ناتو و ویرشو و در مخالفت با استقرار موشکهای اتمی در اروپا دست به همراه پیمائی زدند. این تظاهرات بیانگر موج ناآرامی و وحشتی است که در بین مردم جنگ دیده اروپا از سیاستهای جنگ افروزان دایلوک نظامی امپریالیستی حاکم است.

دایلوک نظامی ناتو و ویرشو در حالی که سالهای سال به خلقهای جهان بویژه اروپا و دهه صلح و صفار امید اندودر کنفرانسهای هلستکی و ژنو در صلح طلبی از یکدیگر سبقت میگرفتند، مخفیانه با خرج میلیارد ها و میلیارد ها دلار به انباشتن زرادخانه های ^{خود} از انواع و اقسام سلاحهای مرگبار هسته ای - شیمیائی و غیره پرداختند. نوع سلاحهای تولید شد موثرات آن خود نشاندهنده ماهیت ضد بشری امپریالیسم و سرمایه است. بمب نوترونی که بوسیله امپریالیسم آمریکا در دست ساختمان است و گویا روسها نیز بزودی آنرا با هزار عرض خواهند کرد "ا به اشیاء و ساختمانها و تاسیسات فنی، نظامی، ... هیچگونه آسیبی نمیرساند بلکه فقط انسانها را از بین میبرد" میبینیم که سرمایه داران برای حفاظت سرمایه خود حاضر به نابودی میلیونها نفر بوده و برای دست یابی به چنین سلاحهای مخوفی میلیارد ها دلار ثروت استثمار شده را بحسب مؤسسات و مجموعه های نظامی - شیمیائی میریزند.

و اما علت حادث شدن خطر جنگ سوم جهانی کمیتوان از آن بعنوان جنگ آخر جهان نام برد چه میباشد؟ امپریالیسم جنایتکار آمریکا در دوده گذشته در اثر رشد مبارزات آزاد پیخش خلقهای جهان و بعلمت بحرانهای فزاینده جهان سرمایه داری نقشی را که بعد از جنگ دوم جهانی بعنوان ژاندارم بین المللی پیدا کرده بود بتدریج از دست داده و در مقابل آن دولت شوروی با تغییر ماهیت خود از کشوری سوسیالیستی به نیروئی امپریالیستی بعنوان -

حسری قوی پنجه و تازه نفس در مقابل امپریالیسم آمریکا قد علم کرده. آمریکا با تمام توان نظامی علمی و اقتصادی و سیاسی خود بر آن است که امتیازات از کف رفته خود را - مجدداً به جنگ آورد و مخصوص بعد از انتخاب ریگان بعنوان سردمدار امپریالیسم آمریکا این سیاست وجه عدم استراتژی جهانی آمریکا شده است.

امپریالیسم آمریکا در صدد است با ترساندن اروپا از خطر سوسیال امپریالیسم شوروی رژیمهای امپریالیستی کشورهای اروپائی را باین راه ^(۱) رانیزد برچم خود بر علیه شوروی بسیج نماید و در این راه دایلوک نظامی متجاوزگرناتو بهترین وسیله است.

تضادهای ضد انقلابی بین دایلوک نظامی امپریالیستی - از آنجا حادث شد که دایلوک ناتو در دسامبر سال ۷۹ - قطعنامه ای دوگانه را تصویب نمود. این قطعنامه از یکطرف تسلیح مجدد و مدرنیز کردن سلاحهای ارتشهای عضو ناتو را مقرب میدارد و از طرف دیگر بر روی آمادگی "ناتو برای مذاکره با شوروی تأکید مینماید".

بعد از تصویب این قطعنامه امپریالیسم آمریکا در نظر دارد که ارتش کشورهای اروپائی عضو ناتو را با راکت های "پرشینگ ۲" و "گرایس سایل" مجهز نماید و از این راکتها بعنوان - سلاحهای اتمی تاکتیکی نام میرود و بمبهای اتمی معمولی و نوترونی و غیره "سلاحهای اتمی استراتژیک" هستند و بظاهر هر دایلوک امپریالیستی خواهان استفاده از "سلاحهای اتمی استراتژیک" نیستند! البته بدین لحاظ که یک جنگ اتمی تمام عیار برای قدرتهای امپریالیستی نیز پایان چندان خوبی نخواهد داشت.

نگاهی به مشخصات و قدرت تخریب این موشکها خود دلیلی بر ماهیت جنایتکارانه امپریالیسم است.

- موشک پرشینگ ۲ با سرعت ۲۰۰۰۰ کیلومتر در ساعت (یعنی - فاصله بین تا مسکو ۶ دقیقه طی میکند) در سطح بالا پرواز میکند و ۱۸۰۰ کیلومتر برد دارد، قدرت تخریب آن مشابه قدرت تخریب ۱ تا ۱۰ کیلوتن تی.ان.تی میباشد. برای پی بردن به قدرت تخریب این راکتها باید یاد آور شویم که بمب

(x) - در اینجا باید تذکر داد که رهپوزیونیست بقیه در صفحه ۹

انقلاب اکتبر و دست آوردهای آن

کارل مارکس نوشت " مرگ سرمایه داری به همان اندازه حتمی است که پیروزی سوسیالیسم امر ناگزیری است " .

۶۴ سال از انقلاب اکتبر میگذرد . طبقه کارگر روسیه دست در دست دهقانان فقیر بدنبال سالها مبارزه بالاخره در سیه دهم روز ۲۵ اکتبر سال ۱۹۱۷ باشلیک توپهای خویش کاخ نزارهای روس را در پیروگراد در هم کوبید و رسالت تاریخی خویش را با سر بلند و افتخار انجام داد و برای نخستین بار در تاریخ بشریت قدرت سیاسی را از چنگ سرمایه داران و فئودالها بدر آورده و حاکمیت این طبقات راسرنگون و واژگون ساخت و گفته های مارکس انگلس و لنین را در مورد مبارزه طبقاتی و انقلاب پرولتری به تحقق رسانید و نخستین دیکتاتوری پرولتاریا را مستقر ساخت . مبارزه طبقاتی پرولتاریای روس که منجر به انقلاب پرولتری و مستقر ساختن دیکتاتوری پرولتاریا گردید ، تحت رهبری حزب بلشویک و زیر پرچم لنین کیسری صورت پذیرفت . برای نخستین بار با این انقلاب تئوری سوسیالیسم علی به نیروی مادی واقعی و زنده تبدیل گشت و جهان را یک گام عظیم به جلو سوق داد . انجام انقلاب پرولتری در روس و پیدایش کشور شوراهاکه مولود مبارزه طبقه کارگر روسیه و مبارزه طبقاتی در اقصی نقاط جهان بود ، کار مبارزه طبقه کارگر را در جهان تسهیل نمود ، زیرا این انقلاب نشان داد که عصر امپریالیسم عصر انقلاب پرولتری است ، یعنی مرگ نظام کهن و سراسر از دوران نوینی از تاریخ مبارزه طبقاتی در جهان میباشد که این مبارزه طبقاتی تنها با رهبری پرولتاریا و استقرار سوسیالیسم میتواند بسر انجام خویش برسد . حزب کمونیست شوروی تحت رهبری لنین کیسری و سپس تحت رهبری رفیق استالین دیکتاتوری پرولتاریا را در شرایط مداخله و محاصره سرمایه داری جهانی و در طی مبارزات سهمگین سیاسی ، اقتصادی و ... از گزند دشمن داخلی و خارجی مصون نگاه داشت و پاسداری از مارکسیسم لنینیسم را نخستین وظیفه والای خود بشمار آورد . حفظ دستاوردهای انقلاب پرولتاریا که در طی مبارزه خونین و آشتی ناپذیر بین پرولتاریا و بورژوازی بدست آمده بود و مبارزه با عوامل بورژوازی از جمله اپورتونیستهای چپ و راست و تسلیم طلبان و تصفیه بی امان آنان از صفوف خویش وظیفه والای حزب بلشویک روسیه که بانام لنین و استالین عجین گشته بود در دوران بعد از انقلاب میباشد .

از آنجائیکه پرچم سرخ انقلاب اکتبر بر فراز تاریخ در اهتزاز

باقیه از صفحه ۸

اتمی ای که بر روی هیروشیما پرتاب شد دارای قدرت تخریبی ۱۳ کیلوتن تی . ان . تی بود ، از امتیازات ویژه این موشکها همانا هدف گیری دقیق آن است بطوریکه احتمال انحراف در اصابت به هدف تعیین شده فقط ۴۵ متر میباشد . موشکها اجسام پرنده " گرایس میسایل " راکتانی هستند که دارای برد ۲۵۰۰ کیلومتر بوده و در سطح خیلی بالایی (۳۰ تا ۶۰ متر) از زمین پرواز میکنند و به همین خاطر پیدا کردن و منفجر کردن آن بیش از رسیدن به هدف تقریباً غیر ممکن است . به علاوه از آنجا که بوسیله کمپوتر هدایت میشود ، میتواند بدون اصابت بموانع سر راه خود تا هدف مورد نظر هدایت شود . دقت اصابت این موشک نیز کاملاً تضمین شده و دارای بار منفجرهای بقدرت ۲۰۰ کیلوتن تی . ان . تی میباشد .

آمریکا در نظر دارد ۱۰۸ عدد موشک پرشینگ ۲ در آلمان غربی و ۴۶۴ عدد موشکهای " گرایس میسایل " در اروپا (از جمله ۹۶ عدد در آلمان غربی) مستقر دارد و حتی تهدید کرده که در صورت عدم موافقت دولتهای اروپائی خود سرانه و مستقلاً با این کار دست خواهد زد .

در مقابل این موشکهای مرگ آفرین ، سوسیال امپریالیسم شوروی نیز مقدار ۱۶۰ عدد راکت های اس . اس . ۲۰ - بیگانه کلاهکی بر روی اهداف مشخصی در اروپا نشانه گیری کرده است . این موشکها بردی بین ۵ تا ۵ هزار کیلومتر داشته و قدرت تخریب آن معادل ۱۵۰ کیلوتن تی . ان . تی میباشد ، در حالیکه میزان دقت آن در اصابت به هدف بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ متر میباشد که در مقایسه با موشکهای آمریکائی قدری نا دقیق تر است . شوروی این راکت ها را بجای راکت های قدیمی اس . اس . ۴ ساخته .

ریگان جنایتکار اخیراً در مصاحبه های با سردبیران روزنامه های آمریکائی امکان وقوع یک محاصره اتمی محدود بین آمریکا و شوروی را محتمل دانست و این بمعنی نابودی اروپا و طبیعتاً جهان خواهد بود . آری ! همانطور که لنین کیسری گفت امپریالیسم برای ادامه سلطه خود جنگا فروزی مینماید و تا وقتی که امپریالیسم موجود دارد خطر جنگ نیز موجود است .

های خائن چپن نیز بر سیاستهای جنگا فروزانه و ضد بشری امپریالیسم آمریکا تمام و کمال معتمد میگذارند .

است و راه اکتبر راه انقلاب کلیه پرولتاریای جهان است و در سبای آموزنده آنرا بطور مختصر بازگو میکنیم :

۱ - شرکت پرولتاریا در مبارزه طبقاتی چندین ساله خویش در روسیه نشان داد که به سرانجام رسانیدن مبارزه طبقاتی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا تنها در گرو حزی انقلابی است که به تئوری انقلابی مجهز و متکی باشد و محروم ساختن پرولتاریا از چنین حزی به معنای سپردن انقلاب بدست بورژوازی ضد انقلابی است .

۲ - انقلاب اکتبر خط بطلانی بود بر تبلیغات ارتجاعی بورژوازی جهانی مبنی بر اینکه نظام سرمایه داری نظامی جاودان و همیشگی است . این انقلاب نشان داد که تنها سوسیالیسم نیروی پیش رونده و تاریخی ساز است .

۳ - در اولین انقلاب بورژوا - دمراتیک روسیه (۱۹۰۷ - ۱۹۱۸) ، شکل نوینی از حاکمیت انقلابی بوده ها بوجود آمد که تا آن زمان نظیرش دیده نشده بود ، این شوراها در حقیقت مجلس نمایندگان کلیه کارگران کارخانجات و فابریکهای بود که در انقلاب شرکت کرده بودند . شوراها با اتکا به نیروهای مسلح بوده ها حاکمیت انقلابی خود را در برابر حکومت ضد انقلابی تزار بوجود آورد . با وجودیکه عمر این شوراها بیش از چند ماه نبود و نتوانست دهقانان را به انقلاب جذب کند و حمایت آنها را بدست آورد ، لیکن تجربه بسیار گرانبهائی را آموخت که به اتکا آن پرولتاریای روسیه توانست در انقلاب اکتبر بقدرت سیاسی دست یابد . لنین در باره خصلت این نوع حکومت نوشت : " ترکیب طبقاتی این حکومت چیست ؟ دیکتاتوری انقلابی یعنی قدرتی که مستقیماً بر تصرف انقلابی و ابتکار بلاواسطه توده های مردم از پائین متکی است نه بر قانون صادر از طرف یک قدرت متمرکز دولتی . . . این قدرت از همان نوع کمون ۱۸۷۱ پاریس است " . لنین در باره قدرت دوگانه .

۴ - دیکتاتوری پرولتاریا : طبقه کارگر برای اینکه بهد خویش که ایجاد جامعه ای بدون طبقه و بدون استثمار است نائل گردد باید بعد از کسب قدرت سیاسی دیکتاتوری خویش را اعمال نماید . زیرا ساختمان سوسیالیسم و گذار به کمونیسم بدون دیکتاتوری پرولتاریا سخنی بوج بیش نخواهد بود . انقلاب اکتبر آغاز دیکتاتوری پرولتاریا تحت رهبری حزب لنین و استالین بود . بدون اعمال دیکتاتوری پرولتاریا هیچ کشوری نمیتواند سوسیالیست باشد . امروز سانسوریت های ما که بین انقلاب و ضد انقلاب در نمان هستند ، معتقد میباشند که ساختمان اقتصادی شهری سوسیالیستی ولی حزب رهبری کننده آن رویزیونیست است . این سخنان یعنی تحریف لنینیسم

زیرا استالین در تعریف از لنینیسم چنین میگوید : " لنینیسم ، مارکسیسم عصر امپریالیسم و انقلاب پرولتاریاست دیکتاتور لنینیسم بطور کلی تئوری و تاکتیک دیکتاتوری پرولتاریا میباشد . "

۵ - مارکس و انگلس با تحلیل سرمایه داری کلاسیک به این نتیجه میرسیدند که باتشدید تضاد کار و سرمایه در کشورهای پیشرفته صنعتی انقلابات سوسیالیستی در یکسری کشورهای پیشرفته صنعتی بوقوع خواهد پیوست . لیکن با تکامل سرمایه داری آزاد به امپریالیسم ، دیکس چنین نتیجه گیری صحیح نبود . لنین با تحلیلی مشخص از شرایط نوین تئوری و تاکتیک انقلاب پرولتری را ارتقا داد . او نوشت : " رشد سرمایه داری در کشورهای گوناگون با متبا درجه ناموزونی عملی میشود ، با وجود تولید کالائی غیر از اینهم ممکن نیست . از اینجا این نتیجه مسلم حاصل میشود : سوسیالیسم در همه کشورها در یک موقع نمی تواند غلبه کند . نخست در یک یا چند کشور غلبه میکند و بقیه کشورها مدتی در حال کشورهای بورژوازی یا پیش از بورژوازی بورژوازی باقی می مانند . " برنامه فرهنگی انقلاب پرولتری : بدین ترتیب وی ثابت کرد که عصر امپریالیسم عصر انقلاب پرولتری است ، لیکن به علت تکامل ناموزون سرمایه داری امپریالیستی ، امکان وقوع همزمان انقلاب در یکسری از کشورها ممکن نیست .

۶ - تجربه انقلاب روس نقش دهقانان را به عنوان متحدین نزدیک پرولتاریا آشکار ساخت . دهقانان روس که زیرستم ضاعف سرمایه و بقایای فئودالیسم روز بروز بیشتر به صفوف پرولتاریا رانده میشد ، آن متحد طبیعی و قابل اعتمادی بود که میتواند نیروی تعرض پرولتاریا را افزایش دهد . لنین با تحلیل نقش دهقانان و اهمیت جلب آنها در انقلاب دمراتیک و سوسیالیستی از طرف پرولتاریا چنین نوشت : " همراه کلیه دهقانان تابه آخر انقلاب بورژوا - دمراتیک و همراه فقیر ، پرولتری و نیمه پرولتری دهقانان برای انقلاب سوسیالیستی ! این است سیاست بلشویکها و این است تنها سیاست مارکسیستی . "

۷ - انقلاب بورژوا دمراتیک روسیه نشان داد که دیکس بورژوازی قادر نیست رهبری انقلاب دمراتیک را بعهده گیرد حتی دمراسی خسرده بورژوازی نیز خواستار احیا سرمایه داری است نه نابودی کامل آن و این تنها وظیفه پرولتاریاست که رهبری انقلاب را بدست گیرد . صحت این مساله در دوران انقلاب دمراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران آشکار است ، زیرا بورژوازی و خسرده بورژوازی هر زمانیکه رهبری

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

دیکتاتوری پرولتاریا، انقلاب پرولتری، نقش حزب و دولت و انقلاب قهرآمیز و انترناسیونالیسم پرولتری به تخریب و ساختار سوسیالیسم و تبلیغ سازش با امپریالیسم و بورژوازی نیز پرداختند. آنان نهضت انقلابی جهانی را در نام "راه مسالمت آمیز" که همان راه پارلمانی سوسیال دموکراسی است انداختند، بنام "همزیستی مسالمت آمیز" به بند و بست با امپریالیستها پیوسته امپریالیسم آمریکا و به سوداگری بر سر حق حاکمیت ملتها مبادرت جستند. در شانناواتی و سابقه تسلیحاتی با امپریالیستها ی آمریکائی همزبان شدند و

انقلاب را در دست داشته اند، رسالت خویش را که به سازش و شکست کشاندن انقلاب بوده است بخوبی انجام داده اند. سازش خورده بورژوازی مرفه صنعتی با بورژوازی و امپریالیسم در قیام بهمن ماه ۵۷ و سمت گیری اخیر مجاهدین برهبری رجوی بنیر برجم لیبرالها بخوبی نشان می دهد که دموکراسی خورده بورژوازی تاجه حد ناپیکار و متزلزل بوده و منافع خورده بورژوازی در احیاء سرمایه داری و به شکست کشاندن انقلاب است.

۸ - انقلاب اکتبر نشان داد پیروزی مبارزه طبقاتی پرولتاریا و مستقر ساختن دیکتاتوری پرولتاریا یعنی مادیست بخشیدن سوسیالیسم علمی زمانی میسر است که مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با اپورتونیسم و رویزیونیسم نباشد، زیرا پیروزی مارکسیسم لنینیسم در مبارزه با رویزیونیسم و اپورتونیسم است. "بدون چنین مبارزه ای، بدون پیروزی کامل و قبیلی بر اپورتونیسم رنگارنگ در جنبش کارگری سخنی هم از دیکتاتوری پرولتاریا نمیتواند بهمان آید. بنابراین این مختصری از درسهای انقلاب اکتبر میباشد که باید کلیه مارکسیست لنینیست های واقعی جهان آنرا بکار گیرند.

بعد از انجام انقلاب اکتبر طبقه کارگر جهان از مپن سوسیالیستی خویش نیرو میگرفت و از آن در برابر دشمنان دفاع و پشتیبانی مینمود. اتحاد شوروی سوسیالیستی بنابه پایگاه انقلاب جهانی وظیفه خویش را در قبال پرولتاریا و خلقهای تحت ستم جهان و مبارزات آنان با سرپلندی و افتخار انجام داد، پرولتاریا و خلقهای تحت ستم نیز در انجام وظیفه انترناسیونالیستی در قبال اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی غفلت نورزیدند. ولی بعد از مرگ رفیق استالین در سال ۱۹۵۳ با بقدرت رسیدن دارو دسته مرتد خروشچف - پروژف خائن رفته رفته مشی و سیاست حزب و دولت شوروی دگرگون گردید. این خائنین بقدرت رسیده حزب و دولت را از عناصر انقلابی و بلشویکهای وفادار به آرمان پرولتاریا به ناجوانمردانه ترین شکلی تهفیه کردند. آنها بیش از همه بر استالین تاختند و بی شرمه برای خو - شایند دوستان طبقاتی خویش یعنی سرمایه داری جهانی جسد رفیق استالین را در سال ۱۹۶۰ آتش زدند و در طی مدت کوتاهی ثمرات کوششهای چند ده ساله کارگران شوروی را بر باد داده و حاکمیت بورژوازی را برقرار نمودند.

رویزیونیستهای مرتدی چون خروشچف - پروژف و کامیگین با تجدید نظر در اصول مارکسیسم لنینیسم یعنی



خلقهای انقلابی جهان را در زیر آتش تهدید گرفتند، درفش ظفرمند انترناسیونالیسم پرولتری را بدور افکندند و هر یضانه و موزیانه کوشیدند و میکوشند تا بنام سوسیالیسم سلطه خویش را بر انقلابات رها بیخش ایجاد نمایند.

آری شوروی کنونی دیگر شوروی لنین و استالین نیست. کسانی که این دو دوره از تاریخ شوروی را از یکدیگر بازنمی - شناسند و تفاوت آنها را نمی بینند، یا رویزیونیست و خائنین میباشند همچون حزب توده و فدائیان اکثریت و یاسانتوریست باگرایش رویزیونیستی همچون سازمان چریکهای فدائوسی

خلق (اقلیت) .

بقیه در صفحه ۱۲

زنده باد سوسیالیسم!

اخبار

آمریکا

سائفرانسیکو : پس از اتمام برگزاری سمینار منطقه غرب اتحادیه دانشجویان ایرانی در آمریکا عضو اتحادیه جهانی هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، این رفقا اقدام به برگزاری تظاهراتی در قسمت غرب سائفرانسیکو نمایند. این تظاهرات که در منطقه فقیرنشین شهر صورت میگیرد مورد پشتیبانی مردم زمینکش این منطقه قرار گرفته و یکدیگر برخی از تماشاگران بعنوان همبستگی بارها شعارها را تکرار می کردند. در این تظاهرات که بمنظور افشا جنایات رژیم جلاان رژیم جمهوری اسلامی و اعدام پی در پی انقلابیون و هواداران سازمانهای انقلابی و کمونیستی صورت گرفته بود، بیش از ۲۵۰ نفر از رفقای هوادار سازمان پیکار شرکت مینمایند. این تظاهرات از طریق کانال تلویزیونی این شهر پخش شده و در مطبوعات محلی انعکاس یافت. در پایان تظاهرات رفقا یک دقیقه سکوت کرده و بخاطر گرامی داشت شهدا سرودهای انقلابی خواندند. این تظاهرات در روز ۱۸ اوت صورت گرفته است.



واشنگتن : رفقای هوادار سازمان پیکار عضو اتحادیه جهانی بمنظور حمایت از زندانیان سیاسی انقلابی، محکوم نمودن رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در رابطه با اعدامهای درمضان، اخیر و سرکوبی جنبش نودهای و رسانیدن صدای خلقهای قهرمان ایران به گوش جهانیان همراه با دیگر دانشجویان انقلابی در شهر واشنگتن اقدام به برگزاری تظاهراتی با شرکت

بیش از ۲۵۰ نفر مینمایند. عکسهای از شهدای اخیر سازمان پیکار، محسن فاضل و علیرضا شستانی در این راهپیمایی حمل میشد.

اوج تظاهرات موقتی بود که رفقا از جلو "سفارت سابق رژیم جمهوری اسلامی" و دفتر حفاظت منافع ایران در سفارت الجزایر و "سفارت انگلیس" رد میشدند. در موقع برگشت به محل اختتام تظاهرات و خواندن قطعنامه رفقا متوجه میشوند که تعدادی مرتجع وابسته خمینی (حزب الهی ساواکی) بنا یک ماشین در حین عکس و فیلمبرداری هستند. رفقا تصمیم میگیرند که با تعرض انقلابی گومالی مغضی به مزدوران خمینی جلاان بد هندی و این خائنین وقتی متوجه خشم انقلابی دانشجویان شدند، فرار را بر قرار ترجیح دادند. ولی این خائنین باید بدانند اگر ساواکهای شاه نتوانستند با این اقدامات رژیم شاه را حفظ کنند، ساواکهای خمینی هم میتوانند رژیم خمینی جلاان امام رژیم تازیانه و دار را حفظ نمایند.



فرانسه

پاریس : در تاریخ ۱۹ سپتامبر در محل سینه (محل تجمع دانشجویان) درگیری بین عوامل رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و دانشجویان متوقی بوجود آمد. این درگیری زمانی اتفاق افتاد که دانشجویان متوقی مانع ورود عناصر مرتجع (حزب الهی - فدائیان اکثریت و توده ایها) به محل دانشگاه شدند و بعد از رد و بدل شدن شعارها زد و خوردی صورت میگیرد. نکته جالب اینست که مرتجعین در مقابل با دانشجویان انقلابی از امید و اثر استفاده کردند. بدینال پایان یافتن این زد و خورد، سازمان پاریس عضو اتحادیه جهانی هوادار سازمان پیکار همراه دیگر دانشجویان متوقی به محل کنفرانس اسلامی که در یونسکو بود رفته و تظاهراتی در افشا جنایات رژیم انجام دادند و قطعنامه ای باضمون درخواست قطع اعدامها، آزادی زندانیان سیاسی، فرستادن هیئتی به ایران برای بررسی جنایات رژیم به کنفرانس تسلیم شد.

مون پلایه : بیاد بود راهپیمایی عظیم دهقانان لارزاک در سال ۷۸ هر ساله از طرف اتحادیه های دهقانی وابسته به این منطقه هفته ای به این نام برگزار میشود. رفقای ما در مون پلایه امسال بعنوان نماینده نیروهای ایرانی در این تجمع شرکت نمود و از ۱۹ اوت شروع هفته بانصب چادر (که با ارم سازمان یوافتخار پیکار مزین بود) و آفیش و روزنامه دیواری و پوستر برنامه خود را شروع کردند و بانمایش اسلاید و بحث و صاحب های مطبوعاتی - تلویزیونی بار دیگر در عرصه جهانی اقدام به افشا چهره رژیم اسلامی خمینی جلاان نمودند. در

این تجمع، نمایش اسلاید و بحث رفقا یکی از بهترین برنامه های هفته بود که مورد استقبال وسیع شرکت کنندگان قرار گرفته بود. رفقا توانستند در این هفته با خبرنگاران فرانسوی و خارجی از جمله خبرنگار رادیو، آلفرانتیو بلژیک و لوموند، لومنت، لیبرال، سیون صاحب هائی بنظور افشاء جنایات رژیم حاکم و بیان اوضاع ایران انجام دهند. رفقا با شرکت خویش در این تجمع فریاد رسا و حق طلبانه حلقهای ایران را بگوش جهانیان رسانده و مواضع و منشی سازمان پیکار را برای هزاران شرکت کننده بیان دارند.



قابل توضیح است که انجمن اسلامی این مترجمین حزب الهی سعی داشتند در این تجمع شرکت نمایند ولی با افشاء کری رفقای ما و رفقای فلسطینی و دیگر نیروهای مترقی جهانی، مسئولین بر- گزارکننده مجبور شدند آنان را بطور مفتضحی از آنجا بیرون اندازند.

ایتالیا

بلونیا : دانشجویان هوادار سازمان پیکار عضو اتحادیه جهانی از ۳۰ ژوئیه تا ۲ اوت در اجتماع و تظاهرات چهار روزه ای که بناسبت واقعه دوم اوت ۱۹۸۰ راه آهن بلونیا (در دوم اوت ۱۹۸۰ بر اثر انفجار بمبی که يك گروه فاشیستی در سالن انتظار درجه ۲ بکار گذاشته بود، بیش از ۸۴ نفر از زخمیگان ایتالیائی کشته میشوند) شرکت کرده و با پخش اعلامیه بزبان ایتالیائی و چسباندن تراکت وسیع در شهر بنظور پشتیبانی از این راه پیمائی توانستند اوضاع ایران و جنایات رژیم خمینی را بیان داشته و سازمان پیکار را به دیگر شرکت کنندگان معرفی نمایند.

میلان : رفقای ما در این شهر در محل جشن حزب رویزیونیستی ایتالیا که حزب توده خائن هم در آنجا میز گذاشته بود، دویار حضور یافته و با پخش وسیع اعلامیه علاوه بر متوجه کردن افکار حاضرین در این جشن نسبت به مسائل ایران و باز کردن جنایات رژیم زمره رژیم جمهوری اسلامی اقدام به افشاء دارودسته خائن حزب توده نمودند و نشان دادند که این خائنین تنها هدفشان دفاع و تقدیر سرمایه است.

ناپل : در تاریخ ۲۶ و ۲۷ سپتامبر دانشجویان هوادار سازمان پیکار عضو اتحادیه جهانی در سیناری که از طرف نیروهای چپ خارج از پارلمان در شهر ناپل با تمهائی - جنگ، امپریالیزم، سوسیال امپریالیسم و انترناسیونال پرولتری برگزار شده بود شرکت کرده و ضمن بحث نظرات سازمان پیکار را بطور وسیع در این زمینه هابیان داشتند.

پروچیا : در تاریخ ۲۷ سپتامبر در راه پیمائی که برای "صلح" و علیه سابقه تسلیحاتی، به مسافت ۲۰ کیلومتر از شهر پروچا تا اسیسی توسط کلیه احزاب و سندیکاها و سازمانها و برگزار شده بود. رفقای مادر ایتالیا بعنوان هواداران پیکار و تنها نیروی ایرانی شوکت کنندگان توانستند ضمن سخنرانی و پخش اعلامیه اقدام به افشاء در منشی های رژیم ارتجاعی خمینی نموده و معرفی سازمان پیکار کردند. رفقا در اعلامیه بر خلاف خط راه پیمائی که خواهان "صلح" در چهارچوب نظامهای موجود بود، توضیح دادند که چرا تنها راه رسیدن به صلح واقعی از بین بردن دولت های سرمایه داری و ارتجاعی و بر سرکار آمدن نظامهای واقعا دموکراتیک است. ضمناً باید گفت در این راه پیمائی ۷۰۰۰ نفر "صلح طلبان" کنورهای دیگر هم شرکت کرده بودند.

المان

فرانکفورت : در روز جمعه ۱۶ اکتبر دانشجویان هوادار سازمان پیکار همراه با سایر نیروهای مبارز و مترقی برای افشای جنایات رژیم خونخوار جمهوری اسلامی به نمازگاه بین المللی کتاب در فرانکفورت رفته و با پخش اعلامیه و گذاشتن نمایشگاه عکس نمودند، که مورد استقبال بی نظیر از حد مردم قرار گرفت و بدین وسیله مانع تبایفات دروغین تنبی چند جاسوس حزب الهی که برای رژیم جمهوری اسلامی ضد خلقی فعالیت می نمودند شده و عکس خجینی جلال این امام تازیانه و دار را پاره کردند. در این میان مسئولین نمایشگاه در حالت نموده و بخاطر جو حاکم غرفه ای را در اختیار دانشجویان یان مبارز و مترقی قرار دادند که دانشجویان اعتصاب غذائی

بقیمه از صفحه ۱۱

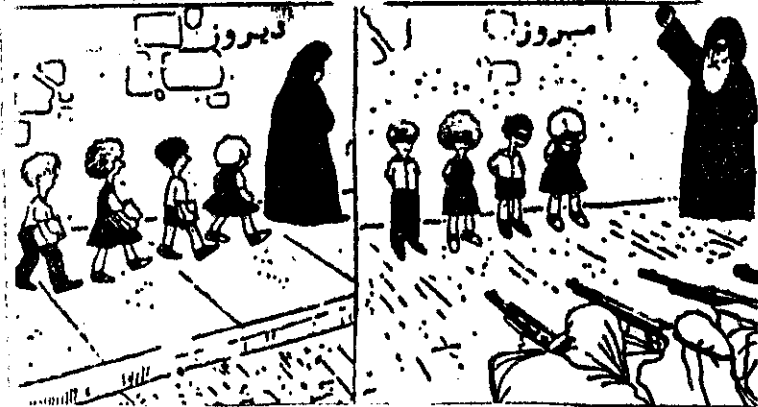
ولی اگر بعد از ۲۵ سال حاکمیت و دیکتاتوری پرولتاریا، رویو نیستها توانستند این حاکمیت را با بقدرت رسیدن سرنگون سازند و دیکتاتوری بورژوازی را مستقر سازند، مسلم است این شکست شکستی همیشگی نبوده و بار دیگر پرولتاریای شوروی همچون پرولتاریا و خلقهای تحت ستم امپریالیسم بپا خواهد خاست و پرچم سرخ انقلاب را برافراشته نگاه خواهد داشت، زیرا مارکسیسم لنینیسم زنده و جاودان است. ♦ ♦ ♦

۱۳ آبان ۵۷ تبلوری از پیوند جنبش دانش آموزان انقلابی با جنبش خلق

دانش آموزان انقلابی ایران در مبارزات خونین ۵۷ نقش عمده ای بازی کردند. رژیم شاه خائن فکسر کرد که با کشتار و سرکوب این دلوران میتواند در راه او جگرگیری مبارزات انقلابی خلق ما سدی ایجاد کند! و بدین ترتیب در روز ۱۳ آبان ماه ۵۷ دانشگاه را به رگبار بست و به دانش آموزان زخمی نموده و کشت دانش آموزان انقلابی که امروز در سنگر مدارس به مبارزات انقلابی خود علیه رژیم ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی ادامه میدهند، رهروان راه شهیدان ۱۳ آبان هستند. جلادان رژیم جمهوری اسلامی که نتوانسته اند با وجود عوامفریبی های خود و سرکوب و شکنجه از مبارزات دانش آموزان جلوگیری نمایند امروز این جوانهای انقلاب را در صحن مدارس به جوخه های اعدام میسپارد و با این عمل خود نه تنها دشمنی خود با علم و دانش را یکبار دیگر ب معرض نمایان میگذازد بلکه ماهیت ضد بشری خود را بیش از پیش افشا میکند.

درود برداش دانش آموزان انقلابی!

جاودان باد یاد شهدای ۱۳ آبان و تمامی شهدای خلق



را بخاطر اعتراض به جنایتهای رژیم ضد خلقی و خائن جمهوری اسلامی شروع کردند و با پخش اعلامیه به زبانهای مختلف و زدن عکس شهیدا به در و دیوار بار دیگر وحشیگری و بربریت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را در ویران کردن کشور ما و کشتن عزیزترین و پاکترین فرزندان خلق بنمایش گذاشته و با خبرنگاران آلمانی و فرانسوی مصاحبه نموده و پیامهایی از طرف هنرمندان و نویسندگان منطقه هسن و از سازمانهای مترقی دریافت نمودند. اخبار اعتصاب غذا و افشاکر رقتا در روزنامه ها از جمله روزنامه فرانکفورت روندشا و درج گردید و علاوه بر آن در تلویزیون برنامه ۲ پخش شده و این اعتصاب غذا در روز یکشنبه ۱۸ اکتبر ساعت ۵/۵ بعد از ظهر با موفقیت به پایان رسید.

زار بروکن : بخاطر دفاع از فرزندان راستین خلقهای قهرمان ایران، بخاطر افشای جنایتهای رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، بخاطر اعتراض به کشتار و جنایات انقلابی و کمونیستهای وفادار به آرمان زحمتکشان بویژه طبقه کارگر، اتحادیه دانشجویان ایرانی هوادار سازمان پیکار در زار بروکن همراه با سایر نیروهای مترقی و مبارز در ساعت ۱۱/۵ روز جمعه دست به اعتصاب غذا زد که خبر آن در رادیو و روزنامه های محلی از جمله زار بروکن تسایتوننگ منتشر گردید. اعتصاب غذا از طرف مردم و نیروهای مترقی مورد پشتیبانی قرار گرفت که در حدود ۶۰۰۰ کارت اعتراض از طرف مردم امضاء گردید و پیامهایی از جمله پیام اتحادیه آلمان هوادار پیکار و هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق، KSG و KABD و سایر نیروهای مترقی خوانده شد. در این اعتصاب غذا از رفیق محمدحسین تجلیل بعمل آمد. رفیق محمدحسین یکی از دانشجویان انقلابی برکه سالها علیه رژیم خائن شاه و امپریالیسم مبارزه کرده بود و از اعضای فعال اتحادیه دانشجویان ایرانی در شهر زار بروکن هوادار سازمان پیکار بود که در حین قیام برای ادامه مبارزه به ایران رفت تا به عهده ی که با زحمتکشان بویژه طبقه کارگر و رفقای بسته بود وفا نماید. رفیق سه ماه پیش در ایران توسط پاسداران جهل و سرمایه دستگیر و هفته قبل همراه با عده ای دیگر از کمونیستها و انقلابیون به جوخه اعدام سپرده شد.

زنده باد همبستگی جنبش دانشجویی با مبارزات خلقهای قهرمان ایران
سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق



برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق